

## هدایت و رهبری

از هدایت و رهبری به عنوان یکی از اجزاء اصلی مدیریت نام برده می شود در حقیقت باید اقرار کرد که رهبری از وظایف کلیدی و مهم مدیریت به حساب می آید زیرا سایر اجزاء مدیریت نیز، باید توسط مدیران و رهبران و در پرتو فکر، کار، ابداع و اینکار آنان شکل گیرند و پیاده شوند. در تشریح بحث هدایت و رهبری، باید سه موضوع مهم یعنی ارتباطات، انگیزش و رهبری مورد بحث و بررسی قرار گیرند. ارتباطات عبارت از انتقال از یک منبع به منبع دیگر و درک آن توسط آن منبع است. چهار عامل در این عمل نقش فعال دارند که عبارتند از فرستنده، دریافت کننده، مجاری ارتباط و نمادها یا علائم. ایجاد ارتباط بین فرستنده و دریافت کننده، ممکن است روی رفتار دریافت کننده اثر بگذارد. در این صورت چنانچه تاثیر یا تغییر مطلوب باشد آن را ارتباط موفق می نامند که در آن فرستنده به هدف خود از ارتباط دست یافته است و چنانچه تاثیر و یا تغییر، نامطلوب باشد آن را ارتباط ناموفق می نامند که رفتار دریافت کننده تغییری پیدا می کند که مطلوب نظر فرستنده نیست. همچنین ممکن است ارتباط هیچگونه تاثیری روی رفتار گیرنده نگذارد که این نیز نوعی ارتباط ناموفق می باشد. کلیه ارتباطات یکی از سه نتایج مذکور را باید همراه داشته باشند. انگیزش: برخی هدف ها را با انگیزه ها اشتباه می گیرند و آنها را یکی می دانند درحالی که هدف ها جنبه خارجی و انگیزه ها جنبه درونی دارند. در حقیقت هدف ها از این جهت مورد توجه فرد قرار می گیرند که وضعی را به وجود می آورند تا انگیزه های فرد ارضا شود. مثلا کارگری که هدف او افزایش میزان تولید روزانه خود تا حد معینی است این هدف را دنبال می کند زیرا با این افزایش می تواند درآمد روزانه خود را افزایش دهد و یا به مقام بالاتری در آن کارخانه دست یابد. درآمد بیشتر و موقعیت شغلی بهتر، انگیزه ای است که در درون فرد وجود دارد و موجب می شود که او به دنبال هدف افزایش تولید که یک عامل بیرونی است برود. طبیعی است که هرچه انگیزه های کمتر ارضا شده باشد، عامل قوی تری در تحریک و تحرک آن فرد خواهد بود و انگیزه های ارضا شده، نیروی چندانی برای تحرک فرد خود نهمفته ندارند. و اما رهبری: ظهور رهبری به شروع زندگی اجتماعی انسان باز می گردد. وقتی دو یا چند نفر تشکیل یک گروه اجتماعی را می دهند و با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، تاثیری که افراد این گروه روی یکدیگر می گذارند، یکسان و برابر نیست، بلکه بعضی از افراد نقش فعال تری بخود گرفته و تاثیر بیشتری روی دیگران می گذارد به طوری که پیش از دیگران در گروه مورد توجه قرار می گیرند و این زمینه آغاز پیدایش رهبری در گروه است. با تثبیت گروه و افزایش پایداری و تداوم آن، خصوصیت تاثیرگذاری توسط یک فرد یا افراد معدودی از گروه تشدید می شود و آنها به تدریج به عنوان رهبر یا رهبران گروه ظاهر می گردند. تثبیت و پایداری گروه همراه با تکامل و پیچیدگی آن به افزایش هدف های قابل حصول و ایجاد سلسله مراتب بیشتر در ساختمان گروه منجر می گردد و احساس نیاز به وجود رهبر و رهبران را بیشتر می نماید. ظهور رهبران در مجموعه های انسان اعم از گروه، سازمان، ملت و جامعه جهانی وقتی بیشتر احساس می شود که این مجموعه ها با مسائل، مشکلات، بحران ها و فشارهای داخلی یا خارجی مواجه می گردند. وقتی تهدیدهای خارجی باعث ایجاد رعب و وحشت می شود و احساس عدم امنیت به وجود می آورد و نظم و ثبات را در آن مجموعه انسانی مختل می سازد، افراد آن مجموعه در جستجوی رهبر یا رهبرانی خواهند بود که به دلیل داشتن شجاعت، تخصص و دانش، اعتماد به نفس یا هر چیز دیگری، قادر باشند آن مجموعه را در مقابل تهدیدها منسجم و امیدوار کنند و موانع را از سر راه آنها برای رسیدن به اهداف خود بردارند. چنین افرادی در شرایطی این چنین سر از رهبری در خواهند آورد.

**دکتر حمید سراپاداریان**